

# توسعه و تضاد

کوششی در جهت تحلیل

انقلاب اسلامی

و

مسائل اجتماعی ایران

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

فرامرز رفیع پور

استاد جامعه‌شناسی

دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه هونهایم آلمان

عضو پیوسته فرهنگستان علوم

۱۳۴۱  
۱۳۴۰  
۱۳۳۹  
۱۳۳۸  
۱۳۳۷  
۱۳۳۶  
۱۳۳۵  
۱۳۳۴  
۱۳۳۳  
۱۳۳۲  
۱۳۳۱  
۱۳۳۰  
۱۳۲۹  
۱۳۲۸  
۱۳۲۷  
۱۳۲۶  
۱۳۲۵  
۱۳۲۴  
۱۳۲۳  
۱۳۲۲  
۱۳۲۱  
۱۳۲۰  
۱۳۱۹  
۱۳۱۸  
۱۳۱۷  
۱۳۱۶  
۱۳۱۵  
۱۳۱۴  
۱۳۱۳  
۱۳۱۲  
۱۳۱۱  
۱۳۱۰  
۱۳۰۹  
۱۳۰۸  
۱۳۰۷  
۱۳۰۶  
۱۳۰۵  
۱۳۰۴  
۱۳۰۳  
۱۳۰۲  
۱۳۰۱  
۱۳۰۰  
۱۲۹۹  
۱۲۹۸  
۱۲۹۷  
۱۲۹۶  
۱۲۹۵  
۱۲۹۴  
۱۲۹۳  
۱۲۹۲  
۱۲۹۱  
۱۲۹۰  
۱۲۸۹  
۱۲۸۸  
۱۲۸۷  
۱۲۸۶  
۱۲۸۵  
۱۲۸۴  
۱۲۸۳  
۱۲۸۲  
۱۲۸۱  
۱۲۸۰  
۱۲۷۹  
۱۲۷۸  
۱۲۷۷  
۱۲۷۶  
۱۲۷۵  
۱۲۷۴  
۱۲۷۳  
۱۲۷۲  
۱۲۷۱  
۱۲۷۰  
۱۲۶۹  
۱۲۶۸  
۱۲۶۷  
۱۲۶۶  
۱۲۶۵  
۱۲۶۴  
۱۲۶۳  
۱۲۶۲  
۱۲۶۱  
۱۲۶۰  
۱۲۵۹  
۱۲۵۸  
۱۲۵۷  
۱۲۵۶  
۱۲۵۵  
۱۲۵۴  
۱۲۵۳  
۱۲۵۲  
۱۲۵۱  
۱۲۵۰  
۱۲۴۹  
۱۲۴۸  
۱۲۴۷  
۱۲۴۶  
۱۲۴۵  
۱۲۴۴  
۱۲۴۳  
۱۲۴۲  
۱۲۴۱  
۱۲۴۰  
۱۲۳۹  
۱۲۳۸  
۱۲۳۷  
۱۲۳۶  
۱۲۳۵  
۱۲۳۴  
۱۲۳۳  
۱۲۳۲  
۱۲۳۱  
۱۲۳۰  
۱۲۲۹  
۱۲۲۸  
۱۲۲۷  
۱۲۲۶  
۱۲۲۵  
۱۲۲۴  
۱۲۲۳  
۱۲۲۲  
۱۲۲۱  
۱۲۲۰  
۱۲۱۹  
۱۲۱۸  
۱۲۱۷  
۱۲۱۶  
۱۲۱۵  
۱۲۱۴  
۱۲۱۳  
۱۲۱۲  
۱۲۱۱  
۱۲۱۰  
۱۲۰۹  
۱۲۰۸  
۱۲۰۷  
۱۲۰۶  
۱۲۰۵  
۱۲۰۴  
۱۲۰۳  
۱۲۰۲  
۱۲۰۱  
۱۲۰۰  
۱۱۹۹  
۱۱۹۸  
۱۱۹۷  
۱۱۹۶  
۱۱۹۵  
۱۱۹۴  
۱۱۹۳  
۱۱۹۲  
۱۱۹۱  
۱۱۹۰  
۱۱۸۹  
۱۱۸۸  
۱۱۸۷  
۱۱۸۶  
۱۱۸۵  
۱۱۸۴  
۱۱۸۳  
۱۱۸۲  
۱۱۸۱  
۱۱۸۰  
۱۱۷۹  
۱۱۷۸  
۱۱۷۷  
۱۱۷۶  
۱۱۷۵  
۱۱۷۴  
۱۱۷۳  
۱۱۷۲  
۱۱۷۱  
۱۱۷۰  
۱۱۶۹  
۱۱۶۸  
۱۱۶۷  
۱۱۶۶  
۱۱۶۵  
۱۱۶۴  
۱۱۶۳  
۱۱۶۲  
۱۱۶۱  
۱۱۶۰  
۱۱۵۹  
۱۱۵۸  
۱۱۵۷  
۱۱۵۶  
۱۱۵۵  
۱۱۵۴  
۱۱۵۳  
۱۱۵۲  
۱۱۵۱  
۱۱۵۰  
۱۱۴۹  
۱۱۴۸  
۱۱۴۷  
۱۱۴۶  
۱۱۴۵  
۱۱۴۴  
۱۱۴۳  
۱۱۴۲  
۱۱۴۱  
۱۱۴۰  
۱۱۳۹  
۱۱۳۸  
۱۱۳۷  
۱۱۳۶  
۱۱۳۵  
۱۱۳۴  
۱۱۳۳  
۱۱۳۲  
۱۱۳۱  
۱۱۳۰  
۱۱۲۹  
۱۱۲۸  
۱۱۲۷  
۱۱۲۶  
۱۱۲۵  
۱۱۲۴  
۱۱۲۳  
۱۱۲۲  
۱۱۲۱  
۱۱۲۰  
۱۱۱۹  
۱۱۱۸  
۱۱۱۷  
۱۱۱۶  
۱۱۱۵  
۱۱۱۴  
۱۱۱۳  
۱۱۱۲  
۱۱۱۱  
۱۱۱۰  
۱۱۰۹  
۱۱۰۸  
۱۱۰۷  
۱۱۰۶  
۱۱۰۵  
۱۱۰۴  
۱۱۰۳  
۱۱۰۲  
۱۱۰۱  
۱۱۰۰  
۱۰۹۹  
۱۰۹۸  
۱۰۹۷  
۱۰۹۶  
۱۰۹۵  
۱۰۹۴  
۱۰۹۳  
۱۰۹۲  
۱۰۹۱  
۱۰۹۰  
۱۰۸۹  
۱۰۸۸  
۱۰۸۷  
۱۰۸۶  
۱۰۸۵  
۱۰۸۴  
۱۰۸۳  
۱۰۸۲  
۱۰۸۱  
۱۰۸۰  
۱۰۷۹  
۱۰۷۸  
۱۰۷۷  
۱۰۷۶  
۱۰۷۵  
۱۰۷۴  
۱۰۷۳  
۱۰۷۲  
۱۰۷۱  
۱۰۷۰  
۱۰۶۹  
۱۰۶۸  
۱۰۶۷  
۱۰۶۶  
۱۰۶۵  
۱۰۶۴  
۱۰۶۳  
۱۰۶۲  
۱۰۶۱  
۱۰۶۰  
۱۰۵۹  
۱۰۵۸  
۱۰۵۷  
۱۰۵۶  
۱۰۵۵  
۱۰۵۴  
۱۰۵۳  
۱۰۵۲  
۱۰۵۱  
۱۰۵۰  
۱۰۴۹  
۱۰۴۸  
۱۰۴۷  
۱۰۴۶  
۱۰۴۵  
۱۰۴۴  
۱۰۴۳  
۱۰۴۲  
۱۰۴۱  
۱۰۴۰  
۱۰۳۹  
۱۰۳۸  
۱۰۳۷  
۱۰۳۶  
۱۰۳۵  
۱۰۳۴  
۱۰۳۳  
۱۰۳۲  
۱۰۳۱  
۱۰۳۰  
۱۰۲۹  
۱۰۲۸  
۱۰۲۷  
۱۰۲۶  
۱۰۲۵  
۱۰۲۴  
۱۰۲۳  
۱۰۲۲  
۱۰۲۱  
۱۰۲۰  
۱۰۱۹  
۱۰۱۸  
۱۰۱۷  
۱۰۱۶  
۱۰۱۵  
۱۰۱۴  
۱۰۱۳  
۱۰۱۲  
۱۰۱۱  
۱۰۱۰  
۱۰۰۹  
۱۰۰۸  
۱۰۰۷  
۱۰۰۶  
۱۰۰۵  
۱۰۰۴  
۱۰۰۳  
۱۰۰۲  
۱۰۰۱  
۱۰۰۰

سرشناسه:	رفیع پور، فرامرز، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور:	توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران / فرامرز رفیع پور
مشخصات نشر:	تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
مشخصات ظاهری:	چاپ دوازدهم: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
شابک:	۶۰۰ ص. نمودار.
وضعیت فهرست نویسی:	ISBN 978-964-5735-81-2
یادداشت:	فیا.
یادداشت:	ص.ع. به انگلیسی:
موضوع:	Faramarz Rafipoor
موضوع:	Modernization and Conflict: An Attempt toward the Analysis
رده بندی کنگره:	کتابنامه: ص ۵۶۷-۵۸۹.
رده بندی دیویی:	۱. ایران- اوضاع اجتماعی- ۱۳۵۸- ۲. رشد اجتماعی- ایران، ۳. ایران- سیاست و حکومت، ۱۳۵۸.
شماره کتاب شناسی ملی:	۴. انقلاب- جنبه های جامعه شناختی، ۵. ایران- تاریخ- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸- الف. عنوان.
	۹ ت ۷ ر / DSR ۱۵۸۶
	۹۵۵ / ۰۸۴
	۱۲۱۵۲ - ۷۷ م

## توسعه و تضاد

مؤلف: دکتر فرامرز رفیع پور

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ سیزدهم: ۱۴۰۳

چاپ ترمه: ۲۰۰۰ نسخه

۷۵۰۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

## خلاصه فهرست مطالب

جلد اول: آناتومی جامعه: مفاهیم اساسی جامعه شناسی کاربردی

جلد دوم: توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران

پیشگفتار..... ۱۵

۱- (بخش اول) پیدایش انقلاب..... ۲۵

۱-۱ مقدمه..... ۲۷

۱-۲ تئوریهای تبیین کننده پیدایش انقلاب..... ۳۱

۱-۳ مدل تبیین..... ۶۵

۱-۴ کوشش در جهت تبیین انقلاب اسلامی ایران..... ۶۹

۱-۵ خلاصه و نتیجه گیری..... ۱۰۳

۲- (بخش دوم) دوران بعد از انقلاب..... ۱۰۵

۲-۱ مقدمه..... ۱۰۷

۲-۲ اشاره‌ای به برخی از قانونمندی‌های مراحل بعد از انقلاب..... ۱۰۷

۲-۳ توضیح روشی..... ۱۱۴

۲-۴ شکل‌گیری قدرت..... ۱۱۲

۲-۵ شرایط رهبران تغییردهنده..... ۱۱۳

۲-۶ تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب..... ۱۲۵

۲-۷ عکس‌العمل کشورهای غربی (۱)..... ۱۳۲

۲-۸ جنگ و تاثیر آن بر نظام اجتماعی..... ۱۳۵

۳- (بخش سوم) تغییرات در نظام اجتماعی ایران بعد از جنگ..... ۱۴۷

۳-۱ تغییر در سلسله مراتب قدرت در سال ۱۳۶۸..... ۱۴۹

۳-۲ مسائل نظام اجتماعی ایران بعد از ۱۳۶۸..... ۱۵۷

- ۳-۳ دگرگونی مجدد ارزشهای جامعه، بعد از ۱۳۶۸ ..... ۱۵۹
- ۳-۴ نابرابری اجتماعی در ایران ..... ۱۷۳
- ۳-۵ فرایند تبدیل ثروت به ارزش در ایران و تاثیر آن بر روی ارزشهای دیگر ..... ۱۹۷
- ۳-۶ پیامدهای با ارزش شدن ثروت ..... ۲۱۷
- ۳-۷ تغییر ارزشهای دیگر در پی با ارزش شدن ثروت ..... ۲۲۷
- ۳-۸ حاشیه: مراحل تغییر ارزشها ..... ۲۳۳
- ۳-۹ پیامد نابرابری درآمد: انحرافات و فساد اجتماعی ..... ۲۶۷
- ۳-۱۰ تغییر کارکرد دین ..... ۳۰۵
- ۳-۱۱ پیامد نابرابری تحصیلات: ولع ارتقاء و تحرک صعودی ..... ۳۶۱
- ۳-۱۲ پیامد نابرابری: اختلال در کارکرد مشاغل (مقام پرستی و کاهش انگیزه کار) ..... ۳۷۵
- ۳-۱۳ حاشیه: پیامد نابرابری: استبداد، یک عنصر فرهنگی ..... ۳۸۲
- ۳-۱۴ سازماندهی و سلسله مراتب ..... ۴۰۵
- ۳-۱۵ پیچیدگی روابط اجتماعی و آشفتگی ..... ۴۰۹
- ۳-۱۶ کاهش انسجام اجتماعی ..... ۴۱۹
- ۳-۱۷ تغییر گروه مرجع ..... ۴۳۹
- ۳-۱۸ تغییر ارزشها و مشروعیت نظام ..... ۴۴۷
- ۳-۱۹ قدرت تفکر و آشفتگی سازمانی ..... ۴۶۷
- ۳-۲۰ قالب بین‌المللی یا نفوذ کشورهای دیگر ..... ۴۷۵
- ۴- (بخش چهارم) نتیجه‌گیری ..... ۵۳۳
- ۴-۱ مقدمه ..... ۵۳۵
- ۴-۲ "توسعه"، اسب ترویا ..... ۵۴۱
- ۴-۳ عواقب "توسعه" و نابرابری در آینده ..... ۵۵۳
- ۴-۴ سخن آخر ..... ۵۵۵
- منابع ..... ۵۶۱

## فهرست مطالب جزئی

پیشگفتار.....	۱۵
۱- (بخش اول) پیدایش انقلاب.....	۲۵
۱-۱ مقدمه.....	۲۷
۱-۲ تئوریهای تبیین کننده پیدایش انقلاب.....	۳۱
۱-۲-۱ افلاطون.....	۳۱
۱-۲-۲ مارکس و آرنولد.....	۳۳
۱-۲-۳ گوتشالک.....	۳۳
۱-۲-۴ برینتون.....	۳۴
۱-۲-۵ اکشتاین.....	۳۴
۱-۲-۶ دورکهایم و مرتون.....	۳۵
۱-۲-۷ اولسون و لوئیز.....	۳۶
۱-۲-۸ توکوویل.....	۳۹
۱-۲-۹ دیویس.....	۳۹
۱-۲-۱۰ تانتر/ میدلارزکی.....	۴۰
۱-۲-۱۱ داهرنندورف.....	۴۱
۱-۲-۱۲ جانسون.....	۴۲
۱-۲-۱۳ گور.....	۴۴
۱-۲-۱۴ تیلی.....	۴۸
۱-۲-۱۵ سکاچ پل.....	۵۰
۱-۲-۱۶ زیمرمان.....	۵۲
۱-۲-۱۷ کدی، لینکلن، معدل، گلداستون.....	۵۲
۱-۲-۱۸ کورپی.....	۵۴
■ ■ مقدمه بر نظریه های دیگر.....	۵۶
۱-۲-۱۹ اوپ.....	۵۷
۱-۲-۲۰ وده و مولر.....	۵۹

- ۶۳ ..... ۱-۲-۲۱ فریدریش
- ۶۵ ..... ۱-۳ مدل تبیین
- ۶۹ ..... ۱-۴ کوشش در جهت تبیین انقلاب اسلامی ایران
- ۶۹ ..... ۱-۴-۱ نابرابری
- ۷۰ ..... ۱-۴-۲ ادراک نابرابری
- ۷۰ ..... ۱-۴-۲-۱ قدرت ادراک
- ۷۱ ..... ● آموزش
- ۷۲ ..... ● ارتباطات
- ۷۳ ..... ۱-۴-۲-۲ امکان ادراک و مشاهده
- ۷۳ ..... ۱-۴-۳ ارزیابی نابرابری
- ۷۴ ..... ۱-۴-۴ مقایسه اجتماعی
- ۷۶ ..... ۱-۴-۵ رشد اقتصادی و پیدایش قشر متوسط
- ۷۹ ..... ۱-۴-۶ رشد نیاز در قشر متوسط
- ۸۳ ..... ۱-۴-۷ امکان رفع احساس محرومیت نسبی
- ۸۵ ..... ۱-۴-۸ سلطه
- ۸۷ ..... ۱-۴-۹ بروز تضاد و بسیج مردم
- ۸۸ ..... ۱-۴-۱۰ اشاعه و گسترش جریان انقلاب و نقش مذهب
- ۹۳ ..... ۱-۴-۱۱ قالب بین‌المللی
- ۹۶ ..... ۱-۴-۱۲ رهبری انقلاب
- ۹۹ ..... ۱-۴-۱۳ سازماندهی انقلاب
- ۱۰۳ ..... ۱-۵ خلاصه و نتیجه‌گیری
- ۱۰۵ ..... ۲- (بخش دوم) دوران بعد از انقلاب
- ۱۰۷ ..... ۲-۱ مقدمه
- ۱۰۷ ..... ۲-۲ اشاره‌ای به برخی از قانونمندی‌های مراحل بعد از انقلاب
- ۱۰۷ ..... ■ نظریات افلاطون
- ۱۰۸ ..... ■ هوپر
- ۱۰۹ ..... ■ تیلی
- ۱۰۹ ..... ■ اکشتاین

۱۱۰	■ اسکاچ پل
۱۱۱	۲-۳ توضیح روشی
۱۱۲	۲-۴ شکل‌گیری قدرت
۱۱۳	۲-۵ شرایط رهبران تغییردهنده
۱۱۴	۲-۵-۱ اهداف
۱۱۵	۲-۵-۲ قدرت تفکر و تخصص
۱۱۹	۲-۵-۳ کوششی در جهت ارزیابی توانائی رهبران
۱۲۰	امام (ره)
۱۲۱	روحانیون
۱۲۱	نقش دکتر بهشتی
۱۲۲	مهندس موسوی
۱۲۵	۲-۶ تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب
۱۲۵	۲-۶-۱ انسجام اجتماعی
۱۲۷	۲-۶-۲ تغییر ارزشها و پیدایش نظام ارزشی جدید
۱۲۸	۲-۶-۲-۱ فرایند تغییر ارزشها
۱۳۱	۲-۶-۲-۲ عوامل مؤثر بر تغییر ارزشها
۱۳۲	۲-۷ عکس‌العمل کشورهای غربی (۱)
۱۳۳	اهمیت پرچم در امریکا
۱۳۵	۲-۸ جنگ و تاثیر آن بر نظام اجتماعی
۱۳۵	۲-۸-۱ تثبیت نظام
۱۳۵	۲-۸-۲ بسیج مردم (Mobilization)
۱۳۷	۲-۸-۳ تاثیرات اجتماعی جنگ
۱۳۷	۲-۸-۳-۱ دفاع به عنوان یک ارزش و یک هنجار
۱۳۷	۲-۸-۳-۲ تغییر ارزشهای رزمندگان در جبهه‌ها
۱۳۹	۲-۸-۳-۳ مردن یا شهادت؟ تاثیر توجیه مذهبی
۱۴۳	۲-۸-۴ تاثیرات در زمینه‌های دیگر
۱۴۳	۲-۸-۵ اعتماد به نفس
۱۴۴	۲-۸-۶ عکس‌العمل کشورهای غربی (۲)
۱۴۵	۲-۸-۷ ختم جنگ

- ۳- (بخش سوم) تغییرات در نظام اجتماعی ایران بعد از جنگ ..... ۱۴۷
- ۳-۱ تغییر در سلسله مراتب قدرت در سال ۱۳۶۸ ..... ۱۴۹
- ۳-۲ مسائل نظام اجتماعی ایران بعد از ۱۳۶۸ ..... ۱۵۷
- ۳-۳ دگرگونی مجدد ارزشهای جامعه، بعد از ۱۳۶۸ ..... ۱۵۹
- ۳-۳-۱ توضیح روشی ..... ۱۶۰
- ۳-۳-۲ تحدید واژه‌های ارزش و هنجار ..... ۱۶۲
- ۳-۳-۳ تغییر ارزشهای مذهبی و میزان پابندی مردم به آنها ..... ۱۶۳
- ۳-۳-۴ ارزش ثروت و ثروتمند و غلبه ارزش‌های مادی ..... ۱۶۹
- ۳-۴ نابرابری اجتماعی در ایران ..... ۱۷۳
- ۳-۴-۱ بررسی مسئله ..... ۱۷۳
- ۳-۴-۲ برخی از علل تشدید نابرابری در ایران ..... ۱۸۳
- ۳-۴-۲-۱ درآمد ..... ۱۸۳
- ۳-۴-۲-۲ تحصیلات ..... ۱۸۸
- ۳-۴-۲-۳ شغل ..... ۱۹۲
- ۳-۴-۳ خلاصه و نتیجه‌گیری ..... ۱۹۴
- ۳-۵ فرایند تبدیل ثروت به ارزش در ایران و تأثیر آن بر روی ارزشهای دیگر ..... ۱۹۷
- ۳-۵-۱ نمایش ثروت ..... ۱۹۹
- ۳-۵-۲ نیاز آفرینی ..... ۲۰۱
- ۳-۵-۲-۱ واردات کالا ..... ۲۰۱
- ۳-۵-۲-۲ تبلیغات ..... ۲۰۳
- ۳-۵-۲-۳ اقدامات دیگر ..... ۲۰۵
- ۳-۵-۳ کاهش درآمدها ..... ۲۰۶
- ۳-۵-۴ مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت ..... ۲۰۷
- ۳-۵-۵ فشار هنجاری ..... ۲۰۸
- ۳-۵-۶ انتشار ..... ۲۱۲
- ۳-۶ پیامدهای با ارزش شدن ثروت ..... ۲۱۷
- ۳-۶-۱ ثروت و حقوق اجتماعی ..... ۲۱۷
- ۳-۶-۲ حاشیه تعهد ثروتمندان سنتی و مدرن ..... ۲۲۲
- ۳-۶-۳ خلاصه و نتیجه‌گیری ..... ۲۲۴

۲۲۷	۳-۷ تغییر ارزشهای دیگر در پی با ارزش شدن ثروت
۲۳۱	حاشیه
۲۳۳	۳-۸ حاشیه: مراحل تغییر ارزشها
۲۳۶	۳-۸-۱ تطبیق پدیده ارزشی هنجار شده با دیگر هنجارها (=فرایند ۱)
۲۳۸	۳-۸-۲ تضاد ارزشها (=فرایند ۲)
۲۴۷	۳-۸-۳ حرکت تغییر ارزشها
۲۴۷	۳-۸-۴ تغییر شرایط و اتمسفر کلی جامعه و مناسب برای
۲۵۳	تغییر ارزشها
۲۵۳	۳-۸-۴-۱ شهرداری و تغییر ارزشها
۲۶۰	۳-۸-۴-۲ ویدئو و تهاجم فرهنگی
۲۶۳	۳-۸-۴-۳ رادیو تلویزیون
۲۶۴	۳-۸-۵ خلاصه و نتیجه گیری
۲۶۷	۳-۹ پیامد نابرابری درآمد: انحرافات و فساد اجتماعی
۲۶۷	۳-۹-۱ طرح مسئله
۲۶۸	۳-۹-۲ راه حل ۱: امکان کاهش سطح کما
۲۶۹	حاشیه ۱: تغییر الگوی مصرف
۲۷۱	۳-۹-۳ راه حل ۲: امکان افزایش درآمد؟
۲۷۳	حاشیه ۲: مقایسه وضعیت کارکنان ایرانی با دیگر کشورها
۲۷۵	۳-۹-۴ انحراف و فساد
۲۸۱	حاشیه:
۲۸۲	۳-۹-۵ تبیین انحراف و فساد
۲۸۳	۱- تاثیر احساس بی عدالتی و محرومیت نسبی
۲۸۵	۲- هنجار شدن کارهای نامشروع
۲۸۸	۳-۹-۶ پیامدها و دامنه فساد
۲۹۰	۳-۹-۷ کارکرد سیستم کنترل بیرونی (۱- نیروی انتظامی)
۲۹۶	۳-۹-۸ کارکرد سیستم کنترل بیرونی (۲- سیستم قضائی)
۲۹۸	نمونه اول
۲۹۹	نمونه دوم
۳۰۰	۳-۹-۹ خلاصه و نتیجه گیری

- ۳-۱۰ تغییر کارکرد دین ..... ۳۰۵
- ۳-۱۰-۱ مقدمه: در دین و کارکرد آن ..... ۳۰۵
- ۳-۱۰-۱-۱ هدف ادیان ..... ۳۰۹
- ۳-۱۰-۱-۲ درک و اثبات خداوند ..... ۳۱۱
- ۳-۱۰-۱-۳ درک خداوند در قالبهای تخصصی ..... ۳۱۳
- ۳-۱۰-۱-۴ روش اتصال و قالبهای فرهنگی - اجتماعی ..... ۳۱۵
- ۳-۱۰-۲ عوامل مؤثر در تضعیف نقش دین در شرایط کنونی ایران .. ۳۱۷
- ۳-۱۰-۲-۱ طرح مسئله ..... ۳۱۷
- ۳-۱۰-۲-۲ عوامل بیرونی مؤثر در تضعیف نقش دین ..... ۳۱۹
- ۳-۱۰-۲-۳ عوامل درونی مؤثر بر کارکرد دین ..... ۳۲۱
- ۳-۱۰-۳-۱ ماهیت دین اسلام ..... ۳۲۱
- ۳-۱۰-۳-۲ نظام و سازماندهی دین: روحانیت ..... ۳۲۴
- ۳-۱۰-۳-۲-۱ گامی به گذشته ..... ۳۲۴
- ۳-۱۰-۳-۲-۲ نظام کنونی مذهب و عوامل مؤثر در درون آن ... ۳۲۶
- ۳۲۶ ■ (۱) مقدمه .....
- ۳۳۰ ■ (۲) تحدید حیطه فعالیت و شناخت .....
- ۳۳۱ ■ (۳) محدودیت مخاطبین .....
- ۳۳۳ ■ (۴) محدودیت‌های محیطی .....
- ۳۳۴ ■ (۵) شیوه آموزش .....
- ۳۳۸ ■ (۶) محدودیت بودجه و وابستگی مادی .....
- ۳-۱۰-۲-۳-۲-۳ روحانیت در نقش جدید: حکومت روحانیت ... ۳۴۲
- ۳۴۳ ■ (۱) سازمان اجتماعی روحانیت .....
- ۳۴۳ ■ (۲) قدرت تفکر، تخصص و تجربه روحانیون در اداره کشور .....
- ۳۴۸ ■ (۳) روش کار روحانیون .....
- ۳۵۳ ■ (۴) رفتار روحانیون .....
- ۳۵۶ ■ (۵) رسالت جدید: نیاز به جهت‌گیری مجدد .....
- ۳-۱۰-۲-۴ نتیجه‌گیری ..... ۳۵۸

- ۳-۱۱ پیامد نابرابری تحصیلات: ولع ارتقاء و تحرک صعودی ..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۱ مقدمه ..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۲ ارتقاء در کشورهای دیگر ..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۲-۱ سوئد ..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۲-۲ آلمان ..... ۳۶۲
- ۳-۱۱-۲-۳ امریکا ..... ۳۶۴
- ۳-۱۱-۳ ولع ارتقاء در ایران و عوامل مؤثر بر آن ..... ۳۶۵
- ۳-۱۱-۳-۱ مدرنیزاسیون و ولع ارتقاء ..... ۳۶۵
- ۳-۱۱-۳-۲ فشار هنجاری و ولع ارتقاء ..... ۳۶۷
- ۳-۱۱-۳-۳ ولع ارتقاء و سیستم آموزشی: ریل عقب افتادگی ..... ۳۶۷
- ۳۶۸ اقدامات تشدیدکننده:
- ۳۶۹ پیامد:
- ۳-۱۱-۴ خلاصه و نتیجه گیری ..... ۳۷۳
- ۳-۱۲ پیامد نابرابری: اختلال در کارکرد مشاغل
- (مقام پرستی و کاهش انگیزه کار) ..... ۳۷۵
- ۳-۱۳ حاشیه: پیامد نابرابری: استبداد، یک عنصر فرهنگی ..... ۳۸۳
- ۳-۱۳-۱ مسئله ..... ۳۸۳
- ۱- زور ..... ۳۸۵
- ۲- پذیرش زور ..... ۳۸۵
- ۳-۱۳-۲ عواقب استبداد ..... ۳۸۷
- ■ در سطح خانواده ..... ۳۸۷
- ■ در سطح سازمانها ..... ۳۸۸
- ■ در سطح حکومت داری ..... ۳۸۹
- ۳-۱۳-۳ انتقاد و اپوزیسیون در نظامهای استبدادی ..... ۳۹۱
- ۳-۱۳-۳-۱ مغایرت انتقاد و اپوزیسیون با منافع خارجی ..... ۳۹۱
- ۳-۱۳-۳-۲ نقائص انتقاد در ایران ..... ۳۹۳
- ۳-۱۳-۳-۳ خطرات و مضرات کاهش انتقاد ..... ۳۹۵
- ۳-۱۳-۴ چاپلوسی و تملق در نظامهای استبدادی ..... ۳۹۶

- ۴۰۲ ..... ۳-۱۳-۵ خلاصه و نتیجه گیری
- ۴۰۵ ..... ۳-۱۴ سازماندهی و سلسله مراتب
- ۴۰۹ ..... ۳-۱۵ پیچیدگی روابط اجتماعی و آشفته‌گی
- ۴۰۹ ..... ۳-۱۵-۱ طرح مسئله
- ۴۱۰ ..... ۳-۱۵-۲ علل پیدایش پیچیدگی
- ۴۱۵ ..... ۳-۱۵-۳ نتیجه و پیامد
- ۴۱۹ ..... ۳-۱۶ کاهش انسجام اجتماعی
- ۴۱۹ ..... ۳-۱۶-۱ طرح مسئله
- ۴۲۱ ..... ۳-۱۶-۲ برخی از علل کاهش انسجام
- ۴۲۱ ..... ۳-۱۶-۲-۱ فقدان دشمن مشترک و کاهش فعالیت‌های مشترک
- ۴۲۲ ..... ۳-۱۶-۲-۲ کاهش تمرکز انرژی احساسی
- ۴۲۴ ..... کارکرد ورزش
- ۴۲۶ ..... نقش موسیقی در کاهش تمرکز احساسی و انسجام در ایران
- ۴۳۱ ..... حاشیه انتقاد از نویسنده
- ۴۳۳ ..... ۳-۱۶-۲-۳ اقدامات دیگر مؤثر بر کاهش انسجام
- ۴۳۹ ..... ۳-۱۷ تغییر گروه مرجع
- ۴۳۹ ..... ۳-۱۷-۱ هدف از گروه مرجع
- ۴۳۹ ..... ۳-۱۷-۲ ایجاد گروه مرجع
- ۴۴۱ ..... ۳-۱۷-۳ تغییر گروه مرجع در ایران
- ۴۴۲ ..... ۳-۱۷-۴ علل تغییر گروه مرجع
- ۴۴۲ ..... ۳-۱۷-۴-۱ مسابقات در نمایش مقیاس‌های مادی
- ۴۴۳ ..... ۳-۱۷-۴-۲ نقش ارزشگذاران و هنجارفرستان
- ۴۴۵ ..... ۳-۱۷-۵ خلاصه و نتیجه گیری
- ۴۴۷ ..... ۳-۱۸ تغییر ارزشها و مشروعیت نظام
- ۴۴۷ ..... ۳-۱۸-۱ مقدمه و تحدید مسئله
- ۴۴۸ ..... ۳-۱۸-۲ ابعاد اجتماعی مشروعیت
- ۴۴۹ ..... ● مشروعیت کاریسماتیک
- ۴۵۰ ..... ● مشروعیت سنتی
- ۴۵۰ ..... ● مشروعیت عقلانی یا منطقی

- ۳-۱۸-۳ سنجش ابعادی از مشروعیت نظام..... ۴۵۲
- ۳-۱۸-۴ ارزشهای اجتماعی و مشروعیت: تحلیل وضعیت کنونی .. ۴۵۵
- ۳-۱۸-۵ خلاصه و نتیجه گیری ..... ۴۶۵
- ۳-۱۹ قدرت تفکر و آشننگی سازمانی..... ۴۶۷
- ۳-۱۹-۱ طرح مسئله ..... ۴۶۷
- ۳-۱۹-۲ علل ..... ۴۷۰
- شرایط قبل از انقلاب: ..... ۴۷۰
- شرایط بعد از انقلاب: ..... ۴۷۰
- ۳-۲۰ قالب بین‌المللی یا نفوذ کشورهای دیگر..... ۴۷۵
- ۳-۲۰-۱ مقدمه: علل نفوذ..... ۴۷۵
- ۳-۲۰-۲ توانائی‌های کشورهای مداخله‌گر..... ۴۷۷
- ۳-۲۰-۳ حیطه‌های تحت نفوذ ..... ۴۸۰
- ۳-۲۰-۳-۱ زمینه‌های نفوذ..... ۴۸۰
- ۳-۲۰-۳-۲ حیطه‌های نفوذ جدید ..... ۵۰۲
- ۳-۲۰-۴ اقدامات ..... ۵۰۵
- ۳-۲۰-۴-۱ از بین بردن نیروی متفکر ..... ۵۰۶
- ۳-۲۰-۴-۲ تاثیر بر روی دولت ..... ۵۰۷
- ۳-۲۰-۴-۲-۱ حکومت و شخص دلخواه..... ۵۰۸
- ۳-۲۰-۴-۲-۲ روشهای تاثیر گذاری ..... ۵۱۲
- فشار هنجاری یا جوسازی ..... ۵۱۲
- انتقاد از مسیر ..... ۵۱۲
- انتقاد از عدم وجود وحدت..... ۵۱۳
- انتقاد از عدم وجود آزادی..... ۵۱۴
- تاثیر گذاری اقتصادی ..... ۵۱۷
- کاهش اعتماد به نفس ..... ۵۲۱
- ۳-۲۰-۴-۳ تاثیر بر روی نظام اجتماعی ..... ۵۲۲
- ۳-۲۰-۵ حیطه‌های خارج از نفوذ..... ۵۲۶
- ۳-۲۰-۶ نقاط ضعف..... ۵۲۸
- ۳-۲۰-۷ نتیجه‌گیری ..... ۵۳۰

۴- (بخش چهارم) نتیجه گیری ..... ۵۳۱

۴- نتیجه گیری ..... ۵۳۵

۴-۱ مقدمه ..... ۵۳۵

۴-۲ "توسعه"، اسب ترویا ..... ۵۴۱

۴-۳ عواقب "توسعه" و نابرابری در آینده ..... ۵۵۳

۴-۴ سخن آخر ..... ۵۵۵

ضمیمه ..... ۵۵۸

منابع ..... ۵۵۹

فهرست موضوعی ..... ۵۹۱

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

- (۱) سبح لله مافی السموات والارض و هو العزيز الحكيم  
(۲) له ملك السموات والارض يحيى ويميت وهو على كل شى قدیر  
(۳) هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو به كل شى علیم

“الحمد لله الذى ليس لقضائه دافع وللعطائه مانع ولا كصنعه صنع صانع...  
ياسيدى خاضع ذليل حصير حقير... لا اله الا انت سبحانك انى كنت من المسبحين..  
اللهم هذائناى عليك ممجدا واخلاصى لذكرک موحدا واقرارى بالائک معددا”

تقدیر و تدبیر خالق متعال، ایجاد انواع نیازها در مخلوقات است. از جمله نیاز به انجام یک وظیفه، یک فعالیت، آنهم به خیال خودشان گاه باینیت خیر. انسانها این نیاز را احساس می کنند که دانش ناچیز، اما مهم پنداشته خود را به دیگران انتقال دهند، در بهترین وضع با انگیزه اصلاح شرایط موجود و نه خودنمایی. گر چه این دانش نیز خود از کرامات خالق است (“علم الانسان مالم يعلم”)، اما در عین حال بسیار ناچیز و محدود و اندازه آن نیز در تصمیم اوست (“..لا یحیطون بشئ من علمه الا بما شاء”).

بارها گفتم و بار دگر می گویم      که من دلشده این ره نه بخود می بویم  
در پس آینه طوطی صفتم داشته اند      آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

حافظ ۱۴۵

پس او را برای این بخشایش نیز (!) شاکر و طالب اصلاح انگیزه و نیت و همچنین وقوف به نادانی خود (“الهی انا الجاهل فی علمی”) و خضوع در پیشگاه اویم و در انتقال این دانش پنداشته ناچیز، از پیشگاهش استدعای کمک در رعایت ادب را دارم که

بی ادب تنها نه خود را داشت بد      بلکه آتش در همه آفاق زد

مولوی

از خداوند سبحان نیز می خواهم که اگر تقدیرش ایجاب می نماید و التفاتش می آراید، به مخاطبین این نوشته، از مردم شریف گرفته تا مسئولین محترم، نظر لطف و احسان ببخشاید تا از برخی از تحلیلها و نتیجه گیریهایی که با طبعشان سازگار نیست، روی ملال درهم نکنند و با صبر و تعمق بیشتر به مسائل بنگرند. باشد که بعد از تأمل بیشتر، موافق طبع واقع شود، چه:

پند حکیم عین صوابست و محض خیر فرخنده بخت آنکه به عین رضا شنید

حافظ ۱۹

نویسنده در شرایط امروزی، هنگام تماس با مسئولین، دوستان و متفکرین و حتی مردم عادی، مدام با این سؤال روبرو می‌شود که "آقا شما چه تحلیلی از وضعیت دارید؟ چرا وضع اینجور شده است؟ آینده را چطور می‌بینید؟ آخر شما متخصص هستید! شما باید بگوئید..."

اگر این صحت داشته باشد که ما متخصص هستیم و اگر از ما انتظار راه حل می‌رود، در آنصورت دوستان و مسئولین شریف و عزیز باید به چند نکته توجه فرمایند: بیماریهای اجتماعی ما از جهاتی شبیه و قابل مقایسه با بیماریهای جسمی هستند و از جهاتی متفاوت:

۱- در تشریح یک کتاب از بیماریهای جسمی و یا در پرونده یک بیمار، پزشک متخصص، بیماریها را ذکر می‌کند و نه آنکه از صفات حسنه آن بیمار تمجید نماید. اگر مسئولین محترم از افراد متخصصی چون نویسنده، راه حل مسائل بفرنج و پیچیده کنونی را می‌خواهند، در آنصورت نمی‌توانند از ما جز این انتظار داشته باشند که ما مسائل و بیماریها را برای آنها تشریح و از طریق کشف اشتباهات، راه حل‌ها را به آنها نشان دهیم.

۲- در مورد مسائل و بیماریهای اجتماعی، افراد عموماً خود را صاحب نظر می‌دانند و معتقدند که دارند مسائل را با "پوست و گوشت خود لمس می‌کنند". اما اگر این تشخیص صحت داشته باشد، قاعدتاً انسان مسائل جسمی خود را باید بهتر از یک پزشک بداند، زیرا بیماریها و فعل و انفعالات مربوط به آن، واقعا در درون بدن او روی می‌دهند.

با پیشرفت علوم، همه زمینه‌های مورد نیاز بشری بطور علمی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اگرچه در ایران علم پزشکی نسبت به دیگر علوم بسیار پیشرفته‌تر است، و اگر چه در ایران، در زمینه‌های دیگر علوم ما تعداد کافی متخصصین متبحر (یعنی به معنی لغوی "استاد") نداریم، اما این به آن معنی نیست که در این زمینه، شناخت و تخصص علمی وجود نداشته باشد. با نگاهی به تاریخچه علوم اجتماعی و سرگذشت دانشمندان آن می‌بینیم که بیشتر دانشمندان این رشته‌ها یهودی بوده‌اند (م.ش. 1990). چرا؟ زیرا آنان به موقع دریافته بودند که با توجه به مشکلاتی که یهودیان در جوامع مختلف داشته و دارند، باید اولاً آن جوامع را بهتر از صاحبان آن بشناسند و ثانیاً حتی المقدور بر روی آن تاثیر بگذارند تا از خطرات احتمالی کاسته و منافع آنها تامین شود... تسلط به دستگاهها و ابزار عقیده‌سازی مردم، یعنی تسلط به خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی، و شبکه‌های انتشاراتی کتب، مجلات و روزنامه‌ها نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. رقبای هر کشوری بسیار خوشحال می‌شوند، اگر در جوامع مورد نظر آنها، مسئولین با ابزار و روشهای قرون گذشته کار کنند. زیرا در آنصورت آنها بطور نامرئی و

نامحسوس برای مسئولین، بر رویدادهای آن جامعه تسلط می‌یابند، آن جامعه را از کنترل مسئولینش خارج می‌کنند و در کنترل خود درمی‌آورند. زیرا چنانکه تشریح خواهد شد، جامعه دارای یک نیروی مستقل است که اگر عنان آن از دست مسئولین به در رود، مانند یک اسب سرکش به هرطرفی که می‌خواهد و یا تاثیر گذارندگان نامرئی آن می‌خواهند می‌رود. ادارهٔ جامعه به تخصص عمیق نیاز دارد. اگر ما در این زمینه ضعیف بوده‌ایم یا هستیم و در گذشته فقط با کلی‌گوئیها و تئوری پردازیهایی بی‌رابطه یا مسائل عملی (عموماً نفهمیده حفظ کرده) و لذا بی‌فایده، سر و ته قضیه را هم آورده‌ایم، دلیلش اینست که ریلهای پیشرفت علمی در این مسیر کاملاً غلط گذاشته و ضعیفترین افراد از نظر درسی، هوشی و علمی به این سو سوق داده شده‌اند. شاید به این علت که کسی نتواند به این مسئله مهم و بسیار اساسی بپردازد. همچنانکه افراد متفکر در این زمینه در جهان سوم یا نسبتاً سریع ترور می‌شوند و یا جذب کشورهای پیشرفته.

۳- ماهیت پزشکی با کار ما این تفاوت را دارد که بیمار جسمی شدیداً در فکر سلامت خود است و بعد از مراجعه به پزشک، به دستورات او قاعداً عمل می‌کند، داروهای تلخ را می‌خورد، آمپول دردناک را می‌زند و از آن مهمتر به جراحی‌های دردناکتر و خطرناکتر تن درمی‌دهد. سپس هم برای آن پول (کم و بیش) زیاد می‌پردازد، هم به پزشک معالج خود آنچنان وابسته می‌شود که در بسیاری از امور به او امتیازات دیگر (مثلاً سیاسی یا اجتماعی) هم می‌دهد. اما به نظر می‌رسد که در مورد بیمارهای اجتماعی، داروهای تجویز شده ما کمتر باب طبع بیمارانمان باشد. بیماران ما در درجه اول کسانی هستند که تا دم مرگ باورشان نمی‌شود که بیمارند و می‌گویند این پزشک مزخرف می‌گوید. درجهان سوم به سختی بتوان سلطانی را یافت که اشتباهاتش را بپذیرد، بالخصوص تا موقعی که بر سر قدرت است. آنها هرگز حاضر به تصحیح مسیر خود نیستند، تا بالاخره سرنگون شوند.

”ان الذین حقت علیهم کلمة ربک لایؤمنون ○ ولو جاءتهم کل ایه حتی یروا العذاب الالیم“

(یونس ۹۷، م.ش. همچنین الشعراء ۲۰۲)

دلائل آن زیاد است و در طول این کتاب بطور نسبتاً جامع به آن نیز پرداخته خواهد شد (بالخصوص در مبحث استبداد). این چنین حکامی مایل به پذیرش انتقاد نیستند، مایل به کاهش قدرتشان نیستند، مایل به کاهش ثروتشان و کاهش فاصله بین فقیر و ثروتمند نیستند. آنها همهٔ اینها را می‌خواهند و در عین حال یک حکومت پایدار، حتی برای فرزندان و نسلهای آینده خود. مانند یک بیمار که پرخوری می‌کند (اضافه وزن زیاد دارد)، حرکت ندارد، سیگار می‌کشد، مشروبات الکلی قوی می‌نوشد و در عین حال از پزشکش می‌خواهد، به او یک قرصی بدهد، که عمرش

طولانی شود، سر حال باشد و بتواند همه کارهای دلخواهش (از جمله کامیابی از بهترین لذات این جهان) را انجام دهد.

سرنوشت چنین حکامی چگونه است؟ اینرا همه می دانیم! اما سرنوشت آن جامعه و مردم و نسلهای آینده چطور؟! بله، مسائل بیماریهای جامعه فراتر از حد پایداری حکومت یک حاکم و نظام حکومتی وی است. در طول تاریخ، تعداد زیادی از نظام های حکومتی تغییر کرده اند. در زمانهای جدید در جهان سوم هر تغییر حکومتی، عموماً به معنی تخریب و آغاز جدید است که بیشتر با روش آزمایش و خطا انجام می گیرد و در صورت بی نتیجه بودن، نه فقط نظام حکومتی ضربه آنرا می خورد، بلکه بیش از آن، مردم و نسلهای آینده آن جوامع. بنابراین مسئولین محترم کشور ما باید به مسئولیت خطیر خود در مقابل آفریننده و بندگان او خوب توجه کنند، رهبران متفکر و عارف ما به خوبی می دانند که در پیشگاه عدل الهی، ضوابط داوری و قضاوت تحت تاثیر مثبت "بالا بودن مقام" و دیگر ضوابطی که انسانهای ناوارسته به خیال خود تعیین می کنند و مهم می پندارند نیست. سرنوشت مردم شریفی که در اجرای خواسته های مسئولینشان از هیچ چیز دریغ نکردند، بسیار مهم است. اما به دلیل همین نزدیکی رهبران وارسته ما به خدا است که ما نیز امید داریم، خداوند سوره فضل و رحمتش را از سر ملت شریف ما برنگیرد. خوشبختانه مسئولین ما همه متشروع و عموماً با ایمان هستند. آنها به خداوند روی می آورند. از یک نقطه (یعنی هنگامی که به معبود خود وصل می شوند) همه در خود تجدیدنظر می کنند (الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) و در یک نقطه (ایمان مشترک) مجدداً بهم وصل می شوند. ما نیز در این نوشتار به فضل و عنایت الهی، کوشش برآن داریم تا در مسیر اداره جامعه، "ظلمات" و "نور" را نشان دهیم. قصد و نیت من این نیست که کسی را بدکنم، چه داخلی و چه خارجی. من کوچکتر از آنم که درباره بندگان خداوند قضاوت کنم. وظیفه من آنست که با رعایت ادب و اصول علمی به مسائل کشف شده علمی در مورد جامعه اشاره و بیماریهای اجتماعی و علل آنرا تشریح نمایم. زیرا اصلاح وضع کشور وقتی ممکن است که نقائص و اشتباهات را بشناسیم و آنها را بر طرف کنیم. در این مسیر طبعاً اشتباهات و بیماریها به عده ای مربوط می شود و خیر و سعادت آنها در اینست که از ذکر بیماریها و اشتباهات نرنجند، بلکه در جهت رفع آن بکوشند.

من خوب واقفم که هرکس با هردانش و نیت و مقامی که مسئولیتی بپذیرد، اشتباه می کند. پیدا کردن و ذکر اشتباه مسئولین هنر نیست. کسی که بانیت مچگیری و تخریب شخصیت مسئولین به دنبال کشف اشتباهات آنها است، "اگر مرد است"، خود وارد میدان شود. در طول تاریخ بعد از انقلاب به اندازه کافی انتقادگرانی را دیدیم که بعد از کسب مقام و مسئولیت، کار را خراب تر

کردند. در مبحث استبداد، نقش و شرایط انتقاد را تشریح کرده‌ام. انتقاد با نیت توهین و تخریب، نه فقط کار را اصلاح نمی‌کند، بلکه شرایط را برای تضاد و درگیری و کاربرد زور و استبداد فراهم می‌سازد. انتقاد خیلی راحت است. از همه کس و همه چیز می‌توان انتقاد کرد. انجام کار سخت است. هر کس کار کند، اشتباه می‌کند. بهترین مهندسین کارخانه مرسدس بنز هر سال در پی یافتن اشتباهات خود هستند، تا تولید خود را بهتر نمایند. لذا از کسانی که اشتباهاتشان را به آنها تذکر دهند، متشکر هم می‌شوند. اشتباه جزئی از فرایند کار و پیشرفت است. اشتباه کردن عیب نیست، نپذیرفتن اشتباه از جانب افراد بی‌نظر و خیرخواه عیب است. اگر شرایطی فراهم آید که انسانها نتوانند نظرات خیرخواهانه خود را با روش انسانی، مؤدبانه و علمی بگویند و اشتباهات را تذکر دهند و نظراتشان سانسور و خودشان توبیخ شوند و در عوض افراد چاپلوس و متملق تشویق شوند (چنانکه در نظام‌های حکومتی خودکامه معمول بوده است) در آنصورت مسیر اشتباه با سرعت و شتاب بیشتر تا سرنگونی آن حکومت ادامه می‌یابد، و لن تجد لسنة الله تبديلا.

از خالق متعال می‌خواهم که هم این بنده ناچیز را در نیت و روشش اصلاح و کمک نماید و هم به مخاطبین محترم نظر احسان و تحمل عنایت فرماید تا مطالب ارائه شده را حمل برگستاخی و جسارت نفرمایند.

صحبت از این کردیم که از ما به عنوان متخصص بیماریهای جامعه، انتظار تحلیل یا تشخیص بیماریها و ارائه راه حل می‌رود و در این رابطه وضعیت جامعه شناسی را از ابعادی با پزشکی مقایسه کردیم. حال باید دید که این تشخیص بیماری و ارائه راه حل، یعنی در واقع محتوای این کتاب، چگونه باید باشد. در بالا اشاره کردم که در ایران رشته‌های علوم اجتماعی باوصف اهمیتشان، هم از نظر محتوای علمی - تئوریک و هم از نظر ارتباط با مسائل عملی و قابلیت حل آن مسائل، مانند بیشتر رشته‌های دیگر به جز پزشکی، نتوانسته‌اند علی‌الاصول چندان مفید واقع شوند. به یک علت آن نیز اشاره شد، یعنی سوق دادن افراد با هوش و استعداد به رشته‌های پزشکی و فنی. اما علاوه بر آن، این رشته‌ها، بالاخص جامعه شناسی، با یک انتقاد عمده در امریکا و بالاخص اروپا نیز روبرو است و آن تئوری پردازی بیش از حد و دوری آن از عمل است. اصطلاح علمی‌ای که برای این گونه موارد بکار برده می‌شود "بازی علمی" (academical) (akademischer Spiel = game) است. به همین علت، در برخی از محافل علمی برای این رشته و اساتید آن عموماً ارزش کمتری قائلند، مگر آنانی که قدمهای مؤثری برای حل مسائل علمی در سطح بسیار بالا و یا قابل استفاده در عمل برداشته‌اند<sup>(۱)</sup>. لذا در این کتاب هدف یک

بازی علمی نیست که طی آن لغات و اصطلاحات علمی بطور بسیار پیچیده در رابطه‌های مختلف بدون توجه به کاربرد عملی توصیف شوند، آنهم با استفاده از اصطلاحات خارجی که به زبان فارسی "من درآوردی" و لذا کاملاً ناآشنا برای خواننده برگردانده شده و بسیار نامفهوم‌تر از اصطلاح اصلی خارجی آن است<sup>(۲)</sup>. هدف ما در این کتاب، دادن اطلاعات به مردم و مسئولین است، تا سطح آگاهی آنها در این زمینه نیز بالا رود. این اساساً یک هدف اصلی علم جامعه‌شناسی باید باشد. در دانشگاه برلن این هدف در راس اهداف دیگر قرار دارد. جامعه‌ما و مسئولینش نیز به این اطلاعات، به گونه‌ای احتیاج دارند که اولاً آنها بفهمند و ثانیاً بتوانند از آن در عمل استفاده نمایند. بنابراین، هنر ما باید این باشد که مطالب خود را طوری بنویسیم تا دیگران (یعنی افراد غیرمتخصص در این زمینه) هم آنها بفهمند و وقتی کتاب را در دست گرفتند، خسته نشوند و آنها به گوشه‌ای نیندازند.

و اما برای تدوین و تنظیم این کتاب، گرچه نویسنده از تئوریه‌ها، منابع علمی مختلف و اطلاعات و مشاهدات مشارکتی خود استفاده نموده است، با وصف این باز هم از نظر اطلاعات با محدودیت‌های عمده‌ای روبرو بوده است. این محدودیت‌ها ابتدا شامل دسترسی به منابع علمی موجود در سطح جهانی می‌شود. قابل تصور است که اطلاعات و کشفیات دانشمندان طراز اولی که در سیستم‌های اطلاعاتی درباره ایران یا هر کشور دیگری کار می‌کنند، مانند اطلاعات مهم در زمینه نظامی یا فیزیکی و کشفیات دیگر ... بسیار محرمانه نگاه داشته شده و در مجلات و کتب چاپ نمی‌شوند و در اختیار کسی قرار نمی‌گیرند (م.ش. فصل "قالب بین‌المللی یا نفوذ کشورهای دیگر").

از طرف دیگر اطلاعات از وقایع و تصمیم‌گیریه‌ها در سطح مسئولین مهم کشور نیز به ندرت (آنهم بدون منبع و مأخذ) قابل دسترسی است. در ملاقاتها و بحثهایی که گاه با برخی از مسئولین کشور بالاخص در سطح وزیر یا مشابه آن داشته‌ام، آنها گاه به این نکته اشاره می‌کردند که شما اگر اطلاعات دقیقتر و جزئی‌تر از مسائل روزمره در سطح هیأت دولت می‌داشتید، نتیجه‌گیریه‌های

و دپارتمان جامعه‌شناسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی. یک استادیار در بدو استخدامش در گروه جامعه‌شناسی روستائی، در سال ۱۹۸۹، سالیانه ۴۰ هزار دلار دریافت می‌کرد و در گروه جامعه‌شناسی، ۳۵ هزار دلار پلاس ۱۹۹۴ نیز در تحقیق خود نسبتهای مشابه‌ای ارائه می‌دهد. در سال ۱۹۸۴ میانگین حقوق اساتید در رشته کشاورزی ۳۶۸۷۹ دلار و در رشته جامعه‌شناسی ۲۷۶۳۳ دلار بوده است. (Bellas 1994:813). تفاوت این میانگین حقوق با حقوق در دانشگاه مدیسون به آن علت است که دانشگاه مذکور به علت اعتبار زیاد و جذب اساتید درجه یک، حقوق بیشتری به اساتید می‌دهد.

۲ برخی از دانشجویان فوق‌لیسانس نیز که با صرف وقت، وارد این بازی پیچیده می‌شوند و از پیچیدگی آن لذت می‌برند، در واقع از آن طریق افکاری پیچیده و آموزشی غیرقابل استفاده در عمل کسب می‌نمایند.

جالب‌تری می‌کردید. قطعاً این کمبود اطلاعات دامنهٔ تبیین مسائل را تا اندازه‌ای محدود می‌سازد، محدودیتی که دانشمندان خارجی، به علت داشتن نظام اطلاعاتی سازمان یافته با آن روبرو نیستند. اما این مسئله خیلی مهمی نیست، زیرا مسئولین محترم و باهوش ما می‌توانند، اطلاعات اضافی و تکمیلی خود را به مطالب این کتاب و چهارچوب تفکر و تحلیل آن اضافه و نتیجه‌گیریهای باز هم بیشتری نمایند.

البته این کمبود اطلاعات نویسنده از وقایع سیاسی و اطلاعات بیشتر مسئولین در این زمینه، موجب می‌شود که برخی از تحلیل‌های جزئی در این کتاب، برای آنها آشنا و چیز جدیدی نباشد. به این نکته من واقفم و باید متذکر شوم که هدف مورد نظرم نه دادن اطلاعات از وقایع روزمره بلکه بیشتر ارائه یک قالب و سیستم جامع برای استفاده از آن اطلاعات است. این اتفاقات و مسائلی که مسئولین عموماً از آن مطلع هستند، مانند تکه‌های یک تصویر پازل (Puzzle) هستند که هر تکه از آن برای بازیکن مشخص است، اما مسئله مهم، آن است که آن تکه یا تکه‌ها، چگونه و در کجا قرار می‌گیرند و ارتباطشان با بقیه اجزاء به چه ترتیب است. لذا در این کار تکیه بیشتر بر روی ارتباط بین یکایک مسائل است، آنهم در یک قالب وسیع، در زمینه‌ای که تاکنون از نظر علمی مورد بررسی قرار نگرفته است.

از نظر ساختاری، مطالب در دو جلد تنظیم شده‌اند. تحلیل وضعیت و بررسی بیماریهای جامعه ایران و ارائه راه حل در جلد دوم آمده است. اما مطالب این جلد دوم برای برخی از افراد نیاز به دانستن اطلاعات پایه‌ای یعنی مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی دارد. لذا این مطالب پایه‌ای که البته انشاءالله از جاذبه کافی برخوردار و همراه با تحلیلها و مثالهای عملی است، در جلد اول آمده‌اند تا خوانندگان هم مطالب جلد دوم را بطور کاربردی مورد استفاده قرار دهند و هم خود بتوانند وقایع دیگر جامعه را که با آن سر و کار می‌یابند، تحلیل نمایند.

در اینجا به جا است از افراد زیادی که در تهیه کار بطور مستقیم یا غیر مستقیم مؤثر بوده‌اند تشکر نمایم. بعد از سپاس بی‌قیاس از درگاه احدیت، از اساتید خود برای انتقال دانششان به بنده و فراهم آوردن شرایط کسب دانش و رشد فکری تشکر می‌کنم. همچنین شرط انصاف اینجا می‌کند که از دانشگاههای کشورهای اروپائی و امریکا که بدون بخل و محدودیت، صمیمانه امکان استفاده از اطلاعات و تجهیزات خود را در اختیار نویسنده قرار دادند تا بتواند دانش ناچیزی کسب نماید ممنونم. تشکر نیز از دانشمندانی لازم است که با نوشته‌های خود امکان بررسی مسئله و هدایت انسانها را فراهم آوردند. اسامی بسیاری از این افراد در فهرست منابع آمده است. اما اطلاعات دیگر که بدون ذکر منبع و ظاهراً از نویسنده است، نیز حاصل زحمات اساتید نویسنده و محافل علمی مختلف که با آنها در ارتباط بوده است می‌باشد و همه اینها از

لطف، عنایت و فضل الهی.

دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران) از دو جهت در این کار نقش عمده داشته است. ابتدا اینکه نویسنده بعد از پایان تحصیلات، قسمت اعظم شکل‌گیری علمی خود در ایران را مدیون این دانشگاه می‌داند، این شامل دانشجویان با محبت، کارکنان عزیز (که همواره از هیچگونه کمک دریغ ننموده‌اند) و همکاران گرامی می‌شود. احساس سپاس بنده بالاخص نسبت به ریاست محترم دانشگاه، جناب آقای دکتر هادی ندیمی و اعضاء محترم هیأت رئیسه بالاخص جناب آقای دکتر حسین نمازی، جناب آقای دکتر محمدصادق مهدوی و بقیه دوستان می‌باشد که همواره کوشش بر آن داشته‌اند، تا حتی الامکان، بهترین شرایط علمی را برای اساتید فراهم آورند، (و این تا آنجا که من از نزدیک اطلاع دارم به قیمت پیشرفت علمی خود و فراتر از آن). علاوه بر آن، نویسنده خود را از جهات دیگر نیز مدیون این دوستان بزرگوار می‌داند، از جمله اینکه، هریک کتاب حاضر را بطور عمیق و بدون فوت وقت مطالعه و پیشنهادهای اصلاحی ارزنده‌ای ارائه و راه را برای چاپ سریع آن هموار کردند. همچنین امتنان فراوان از حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای احمد بحرینی لازم است که فصل "کارکرد دین" را با دقت مطالعه و پیشنهادهای مفیدی ارائه نمودند.

علاوه بر نکات فوق، دانشگاه شهید بهشتی در کنار برخی تجهیزات، در قالب دو طرح تحقیقاتی، امکان تهیه هسته اولیه و قسمت مهم این کار را فراهم آورد. از این بابت نیز تشکر عمیق خود را - بالاخص نسبت به شورا و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه - ابراز می‌دارم. در عین حال لازم است متذکر شوم که اطلاعات ارائه شده در این کار، تنها به تحقیقاتی که از جانب دانشگاه شهید بهشتی حمایت شد، محدود نمی‌گردد. برخی از نتایج پژوهشهایی که از جانب مؤسسات دیگر نظیر وزارت ارشاد و شورای پژوهشهای علمی کشور تامین مالی شد نیز در این کار ارائه شده‌اند که از این جهت نیز از مؤسسات نامبرده و مسئولین محترم آنها صمیمانه تشکر می‌گردد.

سپاس فراوان نیز مدیون آیات عظام و طلاب حوزه علمیه قم می‌باشم. از جناب آقای دکتر محمود کتابی برای قبول زحمت مطالعه کتاب و پیشنهادهای تشکر می‌نمایم. همچنین از کلیه پاسخگویان بالاخص کارکنان وزارتخانه‌های بهداشت، علوم و جهاد که وقت ضیق خود را در اختیار ما گذاشتند، به ما اعتماد و صادقانه مسائل را به ما منتقل نمودند، صمیمانه تشکر می‌شود.

در جمع‌آوری اطلاعات افراد زیادی نقش مؤثر داشته‌اند، بالاخص: آقایان اکبری قمصری، فربرز

بیات، تخشید، صدفی، ظروفی، فروهش تهرانی، اسلام فلاحتی و علی یوسفی. آقای غلامرضا فروهش تهرانی علاوه بر مصاحبه ها، با عشق و علاقه‌ای انقلابی، زحمت زیادی در جمع‌آوری اطلاعات آماری و محاسبات کامپیوتری کشیدند. خانم مژگان وفادار و بالاخص آقای اکبری قمصری با اخلاص در جمع‌آوری اطلاعات آماری و برخی کارهای حروفچینی و قتیگیر، زحمت زیاد کشیدند. افراد دیگری که در جمع‌آوری اطلاعات کمک کرده‌اند، در جای خود نامشان ذکر خواهد گردید. از ایشان و از همه پاسخگویان و افرادی که در این راه به گونه‌ای کمک نمودند صمیمانی تشکر می‌گردد. امیدوارم این کار که از سال ۱۳۶۴ مشغول آن بوده‌ام، در بهبود وضعیت مردم ایران مؤثر واقع گردد. لذا با شکر به درگاه الهی که در کنار الطاف بیکرانیش، بر من این منت را نیز نهاد تا در خدمت مردم و کشورم باشم، این کار را مخلصانه به ملت شریف ایران و مسئولان خداجوی، متفکر و دلسوز آنها، تقدیم می‌کنم.

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس که نه هرکو ورقی خواند معانی دانست.

(حافظ ص ۲۳)

فرامرز رفیع‌پور

تهران - فروردین ۱۳۷۶